



نیروگرفته از تغییرپذیری: بازاندیشی سیاست‌های اقلیمی برای نظام‌های شبانی

یادداشت سیاستی تهیه‌شده توسط کارگروه نظام‌های شبانی و تغییر اقلیم IYRP - اکتبر ۲۰۲۵

این یادداشت سیاستی خواستار سیاست‌ها و سازوکارهای مالی اقلیمی‌ای است که تخصص شبانکارگان در مدیریت ریسک‌های اقلیمی را به‌عنوان بنیان بهرموری، پایداری و توان‌سازی آنان به رسمیت بشناسند.

مقدمه

از رشته‌کوه‌های مرتفع تا ساواناهای خشک و توندراهای قطبی، نظام‌های شبانی در بوم‌سازگان‌هایی تکامل یافته‌اند که با سطوح بالای تغییرپذیری اقلیمی و بوم‌شناختی شناخته می‌شوند. این یادداشت سیاستی بر نظام شبانی به‌عنوان نظامی یکپارچه با بوم‌سازگان تمرکز دارد؛ نظامی که به‌جای پناه گرفتن از تغییرپذیری، با آن کار می‌کند. منطق این نظام با اشکال گسترده تولید دام که به سوخت‌های فسیلی و محیط‌هایی به‌طور مصنوعی باثبات متکی هستند، تفاوتی بنیادین دارد.

در این سند، منظور از «نظام شبانی» نظام معیشتی‌ای است که بر اساس منطق بوم‌شناختی و اقتصادی خود عمل می‌کند. اگرچه بیشتر نمونه‌های امروزی نظام شبانی تحت تأثیر دهه‌ها سیاست‌گذاری و مداخله قرار گرفته‌اند که با هدف دگرگون کردن سازمان اجتماعی آن و رابطه‌اش با محیط‌زیست طراحی شده بودند، حفظ توجه به منطق بنیادین این نظام همچنان برای درک نحوه عملکرد آن - و اینکه چرا امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد - ضروری است. گرمایش جهانی در حال تشدید تغییرپذیری اقلیمی است، اما چالش بزرگتر از فشارهای اقتصادی و نهادی ناشی می‌شود که ظرفیت شبانکارگان را برای کار کردن با این تغییرپذیری محدود می‌کند.

در حالی که کشاورزی برآمده از جهانی‌شدن بر کنترل و پیش‌بینی‌پذیری متکی است و تغییرپذیری اقلیمی را صرفاً مانعی بر سر راه تولید می‌بیند، نظام شبانی در همسوسازی خود با تغییرپذیری و مدیریت مخاطرات اقلیمی تخصص یافته است. دیگر شیوه‌های معیشتی در محیط‌های متغیر، از جمله کشاورزی خرده‌مالکی، نیز راه‌هایی برای سازگاری با عدم قطعیت توسعه داده‌اند؛ اما نظام شبانی از این جهت متمایز است که خود تغییرپذیری را به بنیان تولید و سازمان اجتماعی تبدیل می‌کند. بدون تغییرپذیری اقلیمی، نظام شبانی وجود نداشت. نظام شبانی ذاتاً با اقلیم سازگار است و کوچ و جابه‌جایی ابزار اصلی آن برای همسو کردن گله‌ها با الگوهای متغیر فرصت‌های چرا به شمار می‌رود. از این رو، مسیرهای سازگاری با تغییر اقلیم در نظام‌های شبانی نمی‌تواند همان مسیرهایی باشد که برای نظام‌های متکی بر ثبات طراحی می‌شوند.

به رسمیت شناختن این تفاوت برای سیاست‌ها و تأمین مالی سازگاری با تغییر اقلیم حیاتی است. هنگامی که مداخلات، تغییرپذیری اقلیمی را ذاتاً اخلاک‌گر تلقی می‌کنند و ثبات را تنها راه دستیابی به تاب‌آوری می‌دانند، در عمل نظام شبانی را تضعیف می‌کنند. چنین رویکردی تناسب بوم‌شناختی‌ای را از میان می‌برد که نظام شبانی را به یکی از معدود نظام‌های تولید غذا سازگار با شرایط حدی اقلیمی تبدیل کرده است و در نتیجه، بستر گسترده‌تر بوم‌شناختی و اقتصادی‌ای را که نظام شبانی در حفظ آن نقش دارد نیز تضعیف می‌کند. این فشارها بر میراث تاریخی سیاست‌های نادرستی افزوده می‌شوند که کوچ و جابه‌جایی و نظام‌های حکمرانی شبانکارگان را محدود کرده‌اند؛ سیاست‌هایی که راه را برای تصرف سوداگران مراع و گسترش مرزهای اقتصاد جهانی‌شده‌ای که خود محرک تغییر اقلیم است، هموار ساخته‌اند.

داده‌های جهانی درباره نظام شبانی همچنان ناکافی، ناسازگار و متکی بر روش‌هایی هستند که در چارچوب دیدگاه‌های اقتصادی و بوم‌شناختی‌ای شکل گرفته‌اند که ماهیت پویا و سازگار شونده این نظام‌ها را نادیده می‌گیرند. آمارهای ملی به‌ندرت نظام شبانی را از سایر نظام‌های دامداری گسترده، و حتی دامداری‌های فشرده، تفکیک می‌کنند. با این حال، به یاری این نظام‌ها دست‌کم یک‌چهارم سطح خشکی‌های جهان - عمدتاً زمین‌های غیرقابل کشت - ضمن حفظ کارکردهای بوم‌شناختی، ارزش اقتصادی تولید می‌کنند و گوشت، شیر، الیاف و کود آلی فراهم می‌آورند.

برخلاف الگوهای سازگاری وابسته به سوخت‌های فسیلی که برای مقابله با تغییر اقلیم، خود به تشدید آن دامن می‌زنند، نظام شبانی چشم‌اندازی برای پایداری بلندمدت ارائه می‌دهد، زیرا از پیش با واقعیت‌های اقلیم موجود همسو شده است.

چالش‌ها

۱) هزینه بدفهمی نظام‌های شبانی: معیشت شبانکارگان از دیرباز در معرض محدودیت‌هایی قرار داشته است که از سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر پیش‌فرض‌های منسوخ درباره ناکارآمدی، شکنندگی و آسیب‌رسانی زیست‌محیطی نظام‌های شبانی سرچشمه گرفته‌اند. از نظام‌های حکمرانی زمین تا برنامه‌ریزی توسعه نولیبیرال، این روایت‌ها مداخلاتی را توجیه کرده‌اند که به تکه‌تکه شدن مراتع، محدود شدن جابه‌جایی و تضعیف نهادهای جمعی انجامیده‌اند؛ در حالی که قدرت و منابع را در جاهای دیگر متمرکز کرده‌اند. برای نمونه، گسترش منابع آب ثابت در مناطق خشک موجب اسکان بیشتر، برهم خوردن الگوهای فصلی چرا، تشدید تنش‌های اجتماعی و تخریب سرزمین شده است. تلاش شبانکارگان برای حفظ معیشت خود در شرایطی که گزینه‌های پیش رویشان پیوسته محدودتر می‌شود، به نوبه خود به شکل‌گیری راهبردهای ناسازگارانه‌ای انجامیده است که فشار بر این نظام را افزایش می‌دهند. نتیجه نه شکست نظام‌های شبانی، بلکه شکست سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در درک این نظام‌هاست. امروزه نیز الگوهای مبتنی بر ثبات، که به‌شدت متکی بر نهادهای بیرونی هستند، با عنوان «سازگاری با تغییر اقلیم» باز معرفی می‌شوند و منابع مالی و توجه را از گزینه‌های انعطاف‌پذیری که بر راهبردهای سازگاری خود شبانکارگان استوارند، منحرف می‌کنند.

۲) ابعاد جدید خطر برای نظام‌های شبانی: محیط‌های شبانی نیز در اثر تغییر اقلیم دگرگون می‌شوند. در مراتع مرتفع رشته‌کوه‌های آند و هیمالیا، دامداران شاهد تغییر در پوشش برف، عقب‌نشینی یخچال‌های طبیعی و ذوب زودهنگام برف‌های بهاری هستند؛ تحولاتی که بر دسترسی به علوفه و سلامت دام تأثیر می‌گذارند. در قطب شمال، تغییر در الگوهای ذوب برف و چرخه‌های پوشش گیاهی، مسیرها و الگوهای جابه‌جایی را دگرگون می‌کند. دامداران ساحل نیز بارش‌ها را با توالی‌ها و شدت‌های تازه‌ای تجربه می‌کنند. با وجود آشنایی شبانکارگان با تغییرپذیری اقلیمی، آثار درهم‌تنیده محدودیت‌های سیاستی، تکه‌تکه شدن اراضی و ناامنی، آنان را با این ابعاد ناآشنای خطر روبه‌رو می‌کند؛ آن‌هم در شرایطی که مجال اندکی برای واکنش و سازگاری در اختیار دارند.

۳) مرزهای جدید سلب مالکیت و محروم‌سازی: در سراسر جهان، دولت‌ها، شرکت‌ها و نهادهای چندجانبه در حال بازتعریف مراتع به‌عنوان فضاهایی برای تحقق اهداف خود در زمینه کاهش آثار تغییر اقلیم و سازگاری با آن هستند؛ از ابرپروژه‌های انرژی تجدیدپذیر و طرح‌های جبران انتشار کربن گرفته تا استخراج معادن و کریدورهای زیرساختی. بسیاری از این ابتکارها کاربری سرزمین، جابه‌جایی و نظام‌های حکمرانی جمعی شبانکارگان را نادیده می‌گیرند و بدین‌ترتیب موج‌های تازه‌ای از سلب مالکیت و تکه‌تکه شدن سرزمین را به راه می‌اندازند، در حالی که به سوداگری زمین نیز دامن می‌زنند. مناطق شبانی همچنین هدف روایت‌هایی قرار می‌گیرند که دامداران را عامل خشونت یا حتی تهدیدی برای امنیت معرفی می‌کنند و از این طریق کنترل قهری و طرد آنان را توجیه می‌سازند. در منطقه ساحل، این تصویرسازی‌ها با خلأهای حکمرانی و گسترش ناامنی درهم می‌آمیزند؛ جایی که نارضایتی‌های دیرینه محلی اغلب در چارچوب راهبردهای کنترل سرزمینی در مقیاس‌های بالاتر به کار گرفته می‌شوند.

۴) رویکردهای نادرست در کاهش و سازگاری با تغییر اقلیم و حفاظت: چارچوب‌های کاهش آثار تغییر اقلیم اغلب نظام‌های شبانی را به دلیل «ناکارآمدی» به‌عنوان یکی از عوامل تغییر اقلیم معرفی می‌کنند و بدین‌ترتیب روایت‌های کهنه آسیب‌رسانی زیست‌محیطی را احیا می‌سازند. این نگاه، نقش احیاگر نظام‌های شبانی در چرخه کربن و نیز اتکای بسیار اندک آن به سوخت‌های فسیلی – حتی در شرایط امروز – را نادیده می‌گیرد. نتیجه، سیاست‌هایی است که شبانکارگان را از سرزمین‌هایشان بیرون می‌رانند یا به تشدید تولید سوق می‌دهند، بی‌آنکه ارزش و منطق این نظام‌ها را درک کنند. اقدامات سازگاری با تغییر اقلیم نیز اغلب خود نظام‌های شبانی را منشأ مشکل می‌دانند و با تکرار «رامحل‌های» گذشته، به جای پرداختن به فشارهای اجتماعی و اقتصادی که کارکرد سازگارانه این نظام را مختل می‌کنند، جابه‌جایی را محدود ساخته و خروج از دامداری شبانی را تشویق می‌کنند. به همین ترتیب، ابتکارهای مرتبط با تنوع زیستی و رامحل‌های مبتنی بر طبیعت، هرچند مدعی مشارکت دادن شبانکارگان هستند، اغلب قواعد محدودکننده و کنترل‌های دسترسی‌ای را تحمیل می‌کنند که به تکه‌تکه شدن مراتع و جرم‌انگاری جابه‌جایی می‌انجامند. اجرای این محدودیت‌ها توسط نیروهای شبه‌نظامی، بازتابی از الگوهای «حفاظت دژگونه» است؛ الگوهایی که همزیستی دیرینه شبانکارگان با حیات‌وحش را نادیده می‌گیرند و گاه به اقداماتی منجر می‌شوند که نگرانی‌های حقوق بشری را برمی‌انگیزند. چنین محدودیت‌هایی هم به معیشت مردم و هم به

اکوسیستم‌ها آسیب می‌رسانند و با محروم کردن شبانکارگان از دسترسی به منابع حیاتی، موجب تخریب سرزمین در پیرامون مناطق حفاظت‌شده می‌شوند.

تغییر دیدگاه

۱) **ناهمخوانی میان سیاست‌ها و واقعیت نظام‌های شبانی:** بسیاری از سیاست‌ها و پروژه‌ها از این فرض آغاز می‌کنند که نظام‌های شبانی با کمبود تعریف می‌شود؛ کمبود آب، مرتع، خدمات، زیرساخت و ثبات. از این منظر، راه‌حل آشکار به نظر می‌رسد: ساخت چاه‌ها و مراکز خدماتی بیشتر، و کاهش - یا در صورت امکان حذف - جابه‌جایی. اما در شرایطی که معیشت‌ها بر بهره‌گیری از تغییرپذیری اقلیمی استوارند، چنین مداخلاتی نتیجه‌ای معکوس به بار می‌آورند. آنچه الگوهای مبتنی بر ثبات به‌عنوان کمبود می‌بینند، در واقع می‌تواند بخشی کارکردی از یک نظام سازگارانه باشد که برای کار کردن با تغییرپذیری شکل گرفته است.

۲) **تغییرپذیری اقلیمی، جایگاه بوم‌شناختی نظام‌های شبانی است:** نظام‌های شبانی در اکوسیستم‌هایی تکامل یافته است که در آن‌ها بارندگی و پوشش گیاهی دستخوش نوسانات شدید هستند و مواد مغذی موجود در علوفه تنها در دوره‌های کوتاهی به اوج می‌رسند. شبانکارگان این پنجره‌های فرصت را دنبال می‌کنند و دام‌های خود را از یک اوج تغذیه‌ای به اوج بعدی منتقل می‌سازند. این راهبرد باعث می‌شود دام‌ها برای مدت بسیار طولانی‌تری از چرای باکیفیت بهره‌مند شوند؛ چیزی که اگر مراتع همگی به‌طور هم‌زمان بالغ می‌شدند - یا اگر گله‌ها در یک مکان ثابت می‌ماندند - امکان‌پذیر نبود. تاب‌آوری در نظام‌های شبانی از طریق تقویت این تخصص در بهره‌گیری از تغییرپذیری اقلیمی شکل می‌گیرد، نه از طریق جست‌وجوی ثبات.

۳) **آسیب‌پذیری در نظام‌های شبانی را سیاست‌ها ایجاد می‌کنند، نه اقلیم:** روایت‌های رایج درباره اقلیم اغلب شبانکارگان را قربانیانی ناتوان در برابر تغییرات محیطی به تصویر می‌کشند و در نتیجه عمیق‌ترین علت آسیب‌پذیری آنان یعنی ناکامی‌های سیاستی را پنهان می‌سازند. هرچند شبانکارگان نیز مانند دیگران با دگرگونی در خطرات اقلیمی روبرو هستند، اما در زمره گروه‌هایی قرار دارند که بیش از همه برای مدیریت این خطرات آمادگی دارند. آسیب‌پذیری آنان زمانی افزایش می‌یابد که جابه‌جایی محدود شود، منابع به کالا تبدیل شوند و نهادهای عرفی تضعیف گردند. این موانع - به‌ویژه هنگامی که با نابرابری‌های اجتماعی، از جمله نابرابری‌های جنسیتی، تشدید شوند - هم سازگاری و هم بهره‌وری را تضعیف می‌کنند. حتی در غیاب تغییر اقلیم نیز چنین محدودیت‌هایی مانع شکوفایی شبانکارگان می‌شوند.

۴) **سازگاری از نقطه صفر آغاز نمی‌شود:** همه نظام‌های کشاورزی به تقویم‌های ثابت و فرض ثبات وابسته نیستند؛ بنابراین همه آن‌ها نیز به یک اندازه در برابر تغییر اقلیم دچار سردرگمی نمی‌شوند. تخصص شبانکارگان در هدایت و مدیریت تغییرپذیری اقلیمی، به دانش آنان اهمیتی منحصر‌به‌فرد می‌بخشد. هنگامی که تغییر اقلیم به‌مثابه گسستی کامل از گذشته تصویر می‌شود، هوشمندی سازگارانه دامداران نیز درست در زمانی که بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز است، بی‌اهمیت جلوه داده می‌شود. سازگاری باید با باز به رسمیت‌شناختن نظام‌های دانشی‌ای آغاز شود که از پیش با عدم قطعیت و تغییرپذیری سازگار شده‌اند، نه با کنار گذاشتن آن‌ها.

۵) **تاب‌آوری نمی‌تواند با سوخت فسیلی کار کند:** پاسخ‌های اقلیمی در مناطق شبانی اغلب بر فناوری‌های مبتنی بر سوخت‌های فسیلی و متکی بر نهادهای بیرونی فراوان - مانند آبیاری، تولید علوفه و حمل‌ونقل خوراک دام - تکیه دارند؛ فناوری‌هایی که در عین ایجاد وابستگی‌های جدید، همان بحرانی را تشدید می‌کنند که قرار است با آن مقابله کنند. در مقابل، شواهد موجود از غرب آفریقا نشان می‌دهد که نظام‌های شبانی می‌تواند از نظر کربنی خنثی، یا حتی دارای تراز کربنی منفی باشد و الگویی را ارائه دهد که بر سازگاری بوم‌شناختی استوار است. تاب‌آوری پایدار نمی‌تواند بر نظام‌هایی متکی باشد که خود عامل ایجاد مسئله هستند.

۶) **همه انتشارها یکسان نیستند - و یکی انگاشتن آن‌ها به عدالت اقلیمی آسیب می‌زند:** سیاست‌های اقلیمی اغلب همه انتشارهای گازهای گلخانه‌ای (GHG) توسط انسان را به یک اندازه مسئول تغییر اقلیم می‌دانند. اما نادیده گرفتن رابطه این انتشارها با نظام‌های بوم‌شناختی، تمایزی اساسی را از نظر پنهان می‌کند. سوزاندن سوخت‌های فسیلی، کربن باستانی را وارد زمان حال می‌کند؛ یعنی کربنی را که برای دوره‌های بسیار طولانی در زیر زمین محبوس بوده است به جو باز می‌گرداند و بدین‌ترتیب افزوده‌ای یک‌سویه و در نتیجه ناپایدار ایجاد می‌کند. در مقابل، انتشارهای ناشی از نظام‌های زیستی - از جمله دام‌های شبانی، علف‌خواران وحشی و مواد آلی در حال تجزیه - بخشی از چرخه‌های طبیعی کوتاه‌مدتی هستند که در آن‌ها

کربن به‌طور پیوسته میان خاک، پوشش گیاهی و جو در گردش است. حتی زمانی که اکوسیستم‌ها تخریب می‌شوند و این چرخه‌ها از تعادل خارج می‌گردند و به منابع خالص موقتی کربن تبدیل می‌شوند، انتشارهای آنها همچنان در چارچوب نظام کربن زنده باقی می‌ماند و می‌توان از طریق احیای اکوسیستم، ظرف چند سال دوباره تعادل را برقرار کرد. در مقابل، انتشارهای ناشی از سوخت‌های فسیلی برای قرن‌ها حجم کل کربن موجود در جو را افزایش می‌دهند.

هرچند همه گازهای گلخانه‌ای در گرمایش زمین نقش دارند، تنها انتشارهای ناشی از سوخت‌های فسیلی مسئول آن گرمایش اضافی و ناخواسته‌ای هستند که به تغییر اقلیم انجامیده است. انتشارهای ناشی از نظام‌های زیستی به حفظ تعادل حرارتی سیاره کمک می‌کنند، در حالی که انتشارهای ناشی از سوخت‌های فسیلی این تعادل را بر هم می‌زنند؛ بیشتر شبیه تب هستند تا پتویی که گرما ایجاد کند. ناتوانی در حفظ این تمایز در کانون توجه، تصویری نادرست از نظام‌های شبانی ارائه می‌دهد و جوامع کم‌انتشار را مجازات می‌کند، در حالی که نظام‌های متکی بر سوخت‌های فسیلی از پذیرش کامل مسئولیت می‌گریزند.

فرض رایج	واقعیت نظام‌های شبانی
تغییرپذیری یک محدودیت است	تغییرپذیری یک منبع است
جابه‌جایی نوعی بی‌نظمی است	جابه‌جایی همسویی بوم‌شناختی است
ثبات، تاب‌آوری می‌آورد	انعطاف‌پذیری نظام‌مند، تاب‌آوری می‌آورد
باید از خطرات اقلیمی اجتناب کرد	خطرات اقلیمی باید مدیریت شوند
انتشار گازهای گلخانه‌ای از دام‌های شبانی به تغییر اقلیم دامن می‌زند	بوم‌سازگان‌های سالم مراتع-نظام‌های شبانی دارای تراز کربنی خنثی یا منفی هستند

فراخوان برای اقدام

۱) **حمایت مالی گسترده‌تر از جابه‌جایی و انعطاف‌پذیری نظام‌مند نظام‌های شبانی:** برنامه‌های تقویت تاب‌آوری اقلیمی باید بر این واقعیت استوار شوند که تغییرپذیری، هرچند با خطراتی همراه است، همان چیزی است که به نظام‌های شبانی نیرو می‌بخشد. از این رو، کار کردن با تغییرپذیری - نه تلاش برای حذف آن - برای پایداری نظام‌های شبانی بنیادی است. تقویت تاب‌آوری در نظام‌های شبانی مستلزم حمایت از راهبردهای اصلی‌ای است که به آنها امکان می‌دهند از تغییرپذیری بهره ببرند: جابه‌جایی، تنوع گله، نظام‌های انعطاف‌پذیر دسترسی و بهره‌برداری از زمین، و حکمرانی جمعی پاسخگو و سازگار.

۲) **بهبود حسابداری گازهای گلخانه‌ای برای بازتاب یکپارچگی بوم‌شناختی:** ارزیابی انتشار گازهای گلخانه‌ای باید نقش کامل و چندوجهی نظام‌های شبانی در اکوسیستم را به رسمیت بشناسد؛ از جمله سهم آنها در سلامت خاک، تنوع زیستی، ذخیره‌سازی بلندمدت کربن و کاهش انتشارها از طریق حفظ کارکردهای اکوسیستمی. روش‌های حسابداری نباید شیوه‌های سازگار با اقلیم را جریمه کنند. نهادهای تنظیم‌گر و چارچوب‌های سیاستی باید میان انتشارهای ریشه‌گرفته در فرایندهای زیستی و انتشارهای ناشی از سوخت‌های فسیلی تمایز قائل شوند.

۳) **به رسمیت شناختن و حفاظت از دانش شبانکارگان به‌عنوان تخصص اقلیمی:** نظام‌های دانشی شبانکارگان از پیش با پیش‌بینی‌ناپذیری‌های محیطی سازگار شده‌اند. سیاست‌های سازگاری با تغییر اقلیم باید به‌صورت مشترک طراحی شوند و این دانش مشاهده‌ای، جهت‌یابی و نهادی را در مرکز توجه قرار دهند؛ به‌گونه‌ای که نقش بوم‌شناختی نظام‌های شبانی در برنامه‌ریزی‌های اقلیمی و توسعه‌ای به‌درستی بازتاب یابد.

۴) **رفع موانع تاب‌آوری شبانکارگان:** محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی پیش روی جابه‌جایی شبانکارگان، دسترسی آنان به فرصت‌های چرا و نیز عملکرد نهادهای عرفی را برطرف کنید. مشارکت شبانکارگان در تأمین مالی اقلیمی باید از طریق سازوکارهایی تضمین شود که راهبردهای بوم‌شناختی آنان را به رسمیت شناخته و از آنها حمایت کنند؛ بدون آنکه شرط تغییر نظام معیشت یا اسکان دائمی را بر آنان تحمیل کنند. تاب‌آوری با اصلاحات حکمرانی آغاز می‌شود؛ اصلاحاتی که به شبانکارگان امکان می‌دهد از تخصص و توانمندی‌های ویژه خود بهره بگیرند.

۵) فراهم کردن دسترسی نظام‌های شبانی به منابع مالی «زیان و خسارت»: حتی نظام‌هایی که با اقلیم سازگار شده‌اند نیز زمانی که مسیرهای سازگاری مسدود شوند، متحمل زیان می‌شوند. هنگامی که جابه‌جایی یا دسترسی به منابع مختل شود، شبانکارگان هم زیان‌های اقتصادی (مانند از دست رفتن دام و دارایی‌ها) و هم زیان‌های غیراقتصادی (مانند از دست رفتن دانش و فرهنگ) را تجربه می‌کنند. سازوکارهای صندوق «زیان و خسارت» باید این محدودیت‌های ساختاری را به رسمیت بشناسند و دسترسی منصفانه نظام‌های شبانی به حمایت‌های جبرانی و بازسازی را، چه در رویدادهای تدریجی و چه در حوادث ناگهانی، تضمین کنند.

۶) همسوسازی دستورکارهای اقلیم و امنیت برای حفاظت از جابه‌جایی شبانکارگان: سیاست‌های اقلیمی و امنیتی اغلب در جهت‌هایی متضاد عمل می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که جابه‌جایی را محدود کرده و خطرپذیری را افزایش می‌دهند. هماهنگی میان این دو حوزه باید از درکی متمایز و واقع‌بینانه از شرایط محلی آغاز شود؛ از جمله درک اشکال ریشه‌دار طردشدگی، فساد و بی‌اعتمادی که حکمرانی را تضعیف می‌کنند. برنامه‌ریزی مشترک باید سازمان‌های شبانکارگان را هم در چارچوب‌های اقلیمی و هم در چارچوب‌های صلح‌سازی مشارکت دهد. در مناطق درگیر بحران، بازسازی اعتماد و حفاظت از امکان جابه‌جایی برای پایداری و همزیستی مسالمت‌آمیز ضرورتی اساسی است.

۷) پیشبرد عدالت رویه‌ای، توزیعی و بازشناختی: اطمینان حاصل کنید که زنان و مردان شبانکاره به‌طور معنادار در طراحی، اجرا و ارزیابی اقدامات مرتبط با اقلیم مشارکت داشته باشند. دسترسی عادلانه به منابع مالی اقلیمی را تضمین کنید و از رعایت اصل رضایت آزادانه، آگاهانه و قبلی اطمینان حاصل نمایید.

۸) در گذار سبز، عدالت برای جوامع شبانکاره را تضمین کنید: پروژه‌های اقلیمی باید شامل سازوکارهای حفاظتی لازم برای جلوگیری از جابه‌جایی اجباری، سلب مالکیت و به حاشیه رانده شدن جوامع شبانکاره باشند. حمایت‌های قانونی و سیاستی لازم را برای جلوگیری از آن فراهم کنید تا پروژه‌های جنگل‌کاری، حفاظت و انرژی به سلب مالکیت یا جابه‌جایی این جوامع منجر نشوند. اطمینان حاصل کنید که سرمایه‌گذاری‌های اقلیمی به تشدید منازعه یا تضعیف نظام‌های شبانی نینجامند. گذار عادلانه به این معناست که شبانکارگان به نام کاهش انتشارها به خسارت جانبی تبدیل نشوند، بلکه به‌عنوان متحدانی کلیدی در مدیریت احیاگرانه و بوم‌شناختی یکپارچه سرزمین به رسمیت شناخته شوند.

تقدیر و تشکر: این یادداشت توسط کارگروه نظام‌های شبانی و تغییر اقلیم در ائتلاف جهانی سال بین‌المللی مراتع و شبانکارگان (IYRP) تهیه و تدوین شده است. نویسندگان آن عبارت‌اند از: ساوریو کرتلی، کلر بدلیان، جکسون واپیرا، فلورنس کریک، میشل ووتر، ادویژ مارتی، بلاما جالو، سد هسه و آن واترز-بایر. این یادداشت هم به‌عنوان ابزاری برای حمایت‌گری و هم به‌عنوان منبعی برای بازاندیشی در پاسخ‌های اقلیمی در مناطق شبانی تدوین شده است. ترجمه: ابوالفضل شریفیان.

طریقه ارجاع به این سند: ائتلاف جهانی IYRP، ۲۰۲۵. نیروگرفته از تغییرپذیری: بازاندیشی سیاست‌های اقلیمی برای نظام‌های شبانی. کارگروه نظام‌های شبانی و تغییر اقلیم، دبیرخانه جهانی IYRP 2026 (iyrp2026@gmail.com).